

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید هاشم سدید

۰۱ فبروری ۲۰۱۴

## آنگاه که بدان به جان هم می افتند!

با اعلام سه یا چهار روز پیش صدراعظم پاکستان در اسامبله ملی این کشور به ارتباط از سرگیری مذاکرات صلح با طالبان پاکستانی، پاکستان دو باره در همان جایی قرار دارد که شش ماه پیش قرار داشت. شش ماه پیش میان حکومت پاکستان و طالبان دید و باز دید هائی جریان داشت که هدف از آن، البته به ابتکار و آرزومندی حکومت، دست یافتن به صلح پایدار میان طالبان پاکستانی و حکومت آن کشور بود. اما این دید و باز دید ها در نتیجه حمله یکی از هواپیما های بدون سرنشین امریکائی که منجر به کشته شدن حکیم الله محسود، رهبر طالبان پاکستانی گردید، از جانب طالبان قطع شد.

دولت پاکستان - با آن هم - برای مدتی به تلاش های خود به منظور دست یافتن به صلح با طالبان ادامه داد، اما هیچ نتیجه ای از آن حاصل نکرد، تا این که وزیر داخله این کشور، چوهدری نثار علی خان، با ناامیدی محسوس اعلام کرد که مذاکرات با طالبان ناکام بوده و نتیجه ای نداشته است.

بعد از کشته شدن محسود و ناکامی مذاکرات، برای این که طالبان ضرب شصت سنگین تری به حکومت پاکستان نشان داده باشند، یک بار دیگر حملات تروریستی خویش را هم در خاک پاکستان و هم در خاک افغانستان - از طریق همتایان افغان و غیرافغان خود - شدت بخشیدند.

وضعیتی که در پاکستان در اثر بالا گرفتن میزان ترور از خیبر تا کراچی - به قول وزیر داخله این کشور - به وجود آمد، در کنار ده ها مشکل درد سر آفرین دیگر، همراه با فشار هائی که مردم برای استقرار امنیت و آرامش در کشور بر دولت وارد آوردند، دولت را بر آن داشت که هر چه زود تر یکی از دو گزینه: جنگ یا صلح با طالب را پیش گیرد. دولت از آغاز تصمیم نداشت با طالبان از در جنگ روبه رو شود. اما برای بستن دهن کسانی که جنگ را یگانه راه نابودی طالب و استقرار امنیت در کشور می دانستند و دولت را به دلیل اغماض در برابر طالب زیر فشار می گرفتند، قرار بر آن شد که دولت گزینه جنگ را نه به مقصد سرکوب کامل طالبان، که به منظور هشدار دادن به طالب و بستن دهن مردم معترض اختیار کند.

در پی همین تصمیم بود که چند فروند هواپیمای بمب افکن بر فراز نواحی در وزیرستان شمالی به پرواز درآمد و محلاتی را هم بمبارد نمود و تعداد مختصر عسکر هم به این نواحی فرستاده شد.

خوب، این که چرا دولت پاکستان مصمم به سرکوب قطعی طالب و گروه های تندرو و متعصب دیگر نیست، بر همه معلوم است و توضیح بیشتر در این خصوص شاید چیزی غیر از درد سر اضافی نباشد و هدف از این مقدمه هم این نبود که این خبر را که دولت پاکستان خواهان مذاکره با طالب است؛ به گوش شما خوانندگان محترم برسانیم، این مسأله

که پاکستان مانند کوری که از خدا فقط بینائی می طلبد، تنها در فکر دست یافتن به صلح با طالبان پاکستانی است هم واضح است، زیرا پایان دشمنی طالبان پاکستانی با این کشور زمینه تثبیت بیشتر این کشور را در امور کشور های همسایه، به ویژه در امور داخلی افغانستان، برای تثبیت هژمونی اش، به دنبال دارد؛ چیزی که پاکستان همه هست و بود خویش را بر سر آن به قمار گذاشته است، بلکه هدف این بود که وقتی نواز شریف در این اجلاس می گوید: "از چهارده سال مردم، منظور وی مردم پاکستان است، رنج دهشت گردی (ترور) را متحمل گردیده اند. تروریستان کشور را به جهنم تبدیل کرده اند."، از وی پرسیده شود که آیا او به این امر فکر کرده است که چهارده سال پیش افغانستان، چون پاکستانی ها همیشه ادعا می کنند که ترور و تروریسم از افغانستان برخاسته است، هرگز در وضعیتی نبود است که بتواند در قسمت اداره خود، خود تصمیم بگیرد. همه موضوعات در این کشور توسط طالب و به هدایت و حمایت مستقیم پاکستان و همسویی قسمی عربستان و امارات عملی می شد. در تمام جهان تنها همین سه کشور بودند که افغانستان زیر سلطه طالب وابسته به پاکستان را به رسمیت می شناختند و چه از لحاظ نظامی و چه از نگاه اقتصادی و سیاسی و دیپلوماسی پشتیبانی می نمودند.

درست است که کمپ های تربیه تروریستان در خاک افغانستان قرار داشت، اما آیا این کمپ ها می توانستند بدون همکاری طالب که به همکاری نظامی عملی و مستقیم پاکستان بر اریکه قدرت نشسته بود، و بدون موافقه و بدون حمایت پاکستان در افغانستان به وجود بیاید؟

این چهارده سالی که نواز شریف به آن اشاره نموده است؛ که مردم پاکستان طی این سال ها از تروریسم رنج می برند، به هیچ وجه درست نیست. ترور در پاکستان تنها وقتی به وجود آمد که امریکائی ها به افغانستان حمله کردند و طالب و القاعده با همه ساز و برگ و تشکیلات و افکار تروریستی شان به پاکستان فرار کردند و زیر چتر حمایتی پاکستان قرار گرفتند. و دولت وقت پاکستان خلاف خواست تندروان اسلامی این کشور- چه در دولت و چه بیرون از دولت - در این خصوص با امریکا همکاری نمود؛ آنهم زیر فشار امریکا!

تعجب آور است که پاکستانی که سال ها بن لادن را در بهترین منطقه پاکستان، با آن که امریکائی ها در تلاش یافتن وی بودند، پنهان داشته بود و ده ها تحریک و گروه و نهضت و جنبش و لشکر تندرو و تروریستی، از جمله طالب افغان، را در خاک خود پناه داده است و حمایت مالی می نماید و تجهیز می کند، برای خرابکاری، از ترور و دهشت شکایت دارد و خود را که آفریننده ترور و وحشت است، قربانی آن می خواند!

ما می خواهیم حکومت و سیاستمداران دروغ پرداز پاکستانی فقط از یک ترور که قبل از حمله امریکا به افغانستان در خاک پاکستان به وقوع پیوسته باشد، نام ببرند! و این ادعای شان را که پاکستان از چهارده سال بدینسو از ترور رنج می برد و عذاب می کشد، به کرسی بنشانند!

ما می دانیم که اعتراف به این حقیقت که تنها و تنها پاکستان خالق و حامی تروریسمی می باشد که امروز به نام تروریسم اسلامی معروف شده است و همه مسلمانان جهان را بدنام کرده است، برای پاکستان امر ساده ای نیست، اما پاکستان چه خواهد و چه نخواهد، از آنجائی که حقایق و قرائن بیشتر از حد کافی نمایانگر این است که تنها پاکستان در خلق ترور و تروریسم و تروریستی به نام تروریسم اسلامی دست دارد، امروز به مثابه یگانه کشوری که از تروریسم به شکل بسیار بیشتر مانده آن پشتیبانی می کند، شناخته می شود.

پاکستان نباید فراموش کند که در زندگی بدکاران زمانی فرا می رسد که آن ها به جان هم دیگر می افتند و به نابوی یک دیگر می پردازند. همه باید از زندگی کژدم ها عبرت بگیرند، هرچند برای پاکستان شاید دیر شده باشد!!

۲۰۱۴/۰۱/۳۱